

ذره ذره خوبی کنیم

نشسته‌ام پشت میز کامپیوتر و سعی می‌کنم به اینترنت وصل شوم. يك لحظه ناخودآگاه نگاهم به نقطه‌ای خیره می‌شود. نقطه انگار حرکت می‌کند. اول باورم نمی‌شود. ولی راست است...



نشسته‌ام پشت میز کامپیوتر و سعی می‌کنم به اینترنت وصل شوم. يك لحظه ناخودآگاه نگاهم به نقطه‌ای خیره می‌شود. نقطه انگار حرکت می‌کند. اول باورم نمی‌شود. ولی راست است.

آنچه می‌بینم نقطه‌ای درشت نیست، يك موجود زنده است.

به زنده بودن موجود فکر می‌کنم. به این‌که خدا چه‌طور در این اندازه و این‌قدر ریز، همه اجزای لازم برای زنده بودن يك موجود را جا داده است؟ هنوز از ظرافت اجزای این سیستم بیرون نیامده‌ام که به یاد موجودات میکروسکوپی می‌افتم.

موجودات میکروسکوپی از این‌که می‌بینم هم ریزترند و اصلاً با چشم و بدون تجهیزات دیده نمی‌شوند. من هیچ وقت چنین موجوداتی را زیر میکروسکوپ نگاه نکرده‌ام؛ ولی آنها هم هر کدام يك موجود زنده‌اند با بدنی کامل که همه کارهای حیاتی مورد نیازشان را پاسخ می‌دهد.

به بدن خودمان فکر می‌کنم. به موجودات بزرگ‌تر فکر می‌کنم. به خبری که دیشب تلویزیون پخش می‌کرد و از کشف يك حلقه نورانی دیگر دور زحل می‌گفت؛ حلقه‌ای که حدود يك میلیارد کره زمین در آن جا می‌شود. نمی‌دانم از بزرگی و عظمت بعضی اجزا حیرت کنم یا از ریز بودنشان. ناخودآگاه خاطره اولین باری که با جمعی از دوستان پای صحبت یکی از متخصصان حوزه فن‌آوری نانو نشسته بودیم، در ذهنم زنده می‌شود.

چند سال پیش

آقای دکتر از سلول‌ها حرف می‌زند، از جابه‌جایی الکترون‌ها و از اندازه‌هایی که ناگزیر است در جواب چشم‌های باز و حدقه‌های گرد شده ما، بارها و بارها بزرگشان کند و مثال بزند تا شاید بتوانیم آنچه را که می‌گوید تصور کنیم.

آقای دکتر از يك میلیون نانو حرف می‌زند تا به اندازه‌ای برسد که برای ما قابل دیدن و قابل مقایسه کردن باشد و آن‌وقت بتواند درباره ابزارهایی برایمان توضیح بدهد که با این فن‌آوری ساخته می‌شوند و با اندازه ریزشان کلی کار از دستشان برمی‌آید.

آقای دکتر از ابزارهای ریزی می‌گوید که می‌شود آنها را برای تشخیص عیب و تعمیر به درون اجزای گوناگون دستگاه‌های بزرگ فرستاد و اشکال را همان جا رفع کرد یا از داروهایی که به جای این‌که به‌طور کلی جذب بدن شوند تا درد یکی از نقاط بدن را کم کنند یا زخم نقطه خاصی را التیام بخشند، به مقصد بخش آسیب‌دیده در درون بدن سفر می‌کنند و درست همان جا که به تأثیر دارویی‌شان نیاز است فعال می‌شوند و به سرعت اثر می‌گذارند.

چند دقیقه پیش

برای کاری سوره لقمان را می‌خواندم. دنبال نصیحت‌های لقمان به فرزندش بودم که یکی از این نصیحت‌ها که اتفاقاً به آن فکر نکرده بودم توجهم را بیشتر جلب کرد.

لقمان لابه‌لای نصیحت‌هایش ریز ندیدن خوبی و بدی را به فرزندش یادآور می‌شود که گمان نبر خیر و شر، خوبی و بدی، در زندگی از میان می‌رود و پنهان می‌ماند.

لقمان می‌گوید که پسر، خوبی و بدی، اگر به اندازه يك ذره هم باشد، آن ذره هم در دل حفره يك صخره بزرگ قرار بگیرد، در وسعت بی‌کران آسمان شناور شود یا بر سینه پهناور زمین بیفتد، باز هم خدا آن را می‌بیند و برای پاداش و مجازات، آن را به حساب می‌آورد. فکر می‌کنم شاید این آیه به وضعیت و سرنوشت ما نظر دارد. حکایت همان ضرب‌المثل قدیمی است که «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود». نمی‌دانم هرکدامان داریم ذره ذره خوبی می‌پراکنیم یا خدای ناکرده ذره ذره بدی روی هم تلنبار می‌کنیم.

همشهری آنلاین - مناف یحیی‌پور